

این ملت هنوز لایق این مذاکرات نیست!

۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ ساعت ۱۲:۲۷

اعلیحضرتا! پدر تاجدارا! آیا هیچ تاریخ ژول سزار روم را می خوانید؟! آیا حکایت شارل پادشاه انگلیس را به خاطر می آورید؟ آیا قصه لئی شانزدهم را به نظر دارید؟ آیا قتل جد تاجدار بزرگوار خود را متذکر می شوید؟ آیا گمان می کنید که این اشخاص بزرگ تاریخی به شخصه گناهکار و سزاوار این نوع از رفتار بوده اند؟

جوان و تاریخ- اخبار تاریخی



روزنامه صوراسرافیل از جمله مهمترین جرایدی است که در عصر مشروطه منتشر می شد. آنچه صور اسرافیل را از نشریات دیگر متمایز می کرد یکی عمق کلامش بود و دیگر نگاه صریحش در حمایت از مشروطه. به هر حال آنچه پیداست، این نشریه به شدت به انتقاد محمدعلی شاه، ششمین پادشاه سلسله قاجار می پرداخت. از جمله این انتقادات صریح، یادداشتی است که در همان اولین شماره این نشریه منتشر شده است. عنوان این مطلب «دو کلمه خیانت» است. نویسنده این یادداشت، مطلب خود را با جملات انداز دهنده آغاز می کند:

«اعلیحضرتا! پدر تاجدار! آیا هیچ تاریخ ژول سزار روم را می خوانید؟! آیا حکایت شارل پادشاه انگلیس را به خاطر می آورید؟ آیا قصه لوئی شانزدهم را به نظر دارید؟ آیا قتل جد تاجدار بزرگوار خود را متذکر می شوید؟ آیا گمان می کنید که این اشخاص بزرگ تاریخی به شخصه گناهکار و سزاوار این نوع از رفتار بوده اند؟ {این افراد} شخصا مثل ذات مقدس تو پاک و بی گناه و مبرا بوده و آنچه را که ملت به آنها نسبت دادند و به آن گناه آنها را گرفته، سربریدند یا زیر شمشیرهای غیورانه پاره پاره کردند گناه آنها نبود؟ پس چه امری سبب این انتقادات وخیمه و این نمک شناسی های ملل است؟»

نویسنده پس از طرح این مقدمه تلاش می کند تا پاسخ این پرسش ها را به عنوان اندرز و تذکر برای شاه ارائه نماید، تا او راه گذشتگان خود را ادامه ندهد. از نظر وی، ملل دنیا نیز همچون انسانها، دوران طفولیت، بلوغ و بزرگسالی را می گذرانند. به اعتقاد نگارنده حاکمیت مطلقه در اموال صغیر تا وقتی است که او به مرحله رشد و بلوغ برسد. پس از این، اختیار تصمیم گیری درباره زندگی وی، به خودش باز می گردد. نویسنده تلاش می کند تا این واقعیت در مورد انسانها را با زندگی ملتها انطباق دهد و به این پرسش پاسخ دهد که چرا درباره ملل این تنفیذ تصمیم گیری به ملت بالغ روی نمی دهد:

«به حکم کتب تاریخی دنیا، نکته مهم و نقطه باریک تنها یک اشتباه کاری وزرا خائن عصر در چنین موقعی بوده که خانه دنیا را ویران نموده است.»

او در ریشه یابی این مشکل تلاش می کند تا «منبع این اشتباه کاری» را بیابد:

«منبع این اشتباه کاری در تمیز رشد و صحت بلوغ است. اولین حرفی که وزراء خائن برای سد راه حریت و آزادی و اغفال پادشاه در صحت رشد و بلوغ ملت با اولین هیجان ملی برای استرداد حقوق لاینفک خود می گویند این دو کلمه است: این ملت هنوز لایق این مذاکرات نیست» [۱]

با این عبارت، در واقع نویسنده از شاه درخواست می کند تا مردم ایران را به عنوان ملتی که می توانند برای آینده خود تصمیم بگیرند به رسمیت بشناسد. بگذریم از آنکه محمدعلی شاه تا اخراج خود از کشور تن به این مهم نداد.

پی نوشتها:

